

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد
بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

شعر از عشقری
فرستنده: محمود شاداب
۱۱ مارچ ۲۰۱۸

[پی او روانه ساخت]

خود را هزار پاره به مانند شانه ساخت
کز پیش ما به رفتن خود صد بهانه ساخت
از ناز زد به روی زمین، دانه دانه ساخت
از بس مرا عنایت حق نازدانه ساخت
گویند مردمان که سر خانه خانه ساخت
عشق تو اینقدر به جهانم فسانه ساخت
از بس خدنگ ناز تو دل را نشانه ساخت
عشرتسرای عمر مرا مرده خانه ساخت
آیا چسان به رسم و رواج زمانه ساخت؟
صد آفرین به خضر که در هر زمانه ساخت
مرغ دلی که داشت پی او روانه ساخت

تا دل به چین کاکلی یار آشیانه ساخت
آن شوخ جای غیر مگر وعده دار بود
دادم انار دانه دل را به دست یار
جز خورد و خواب چیز دگر ناید از کفم
یک سرپناه نیست مرا اندرین دیار
سابق درین هوسکده شهرت نداشتم
سوراخهای سینه ام از حد گذشته است
تا پا نهاد در دل من عشق مهوشان
بیچاره ای که کهنه خیال و عتیقه بود
در عمر یک دو روزه خود آدمم به تنگ
ممکن نشد که همراه یار عشقری رود